



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل عمومی

عنوان:

نسبت میان اسلام و حقوق بشر از منظر عقلانیت؛ با تاکید بر بازاندیشی در قاعده ملازمه

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر هدی غفاری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی

استاد داور:

جناب آقای دکتر شعبان حق پرست

پژوهشگر:

سید حسین موسوی فر

تابستان ۱۳۹۷

استاد ارجمند



به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداوند است و همواره ناظر به اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری ما دانشجویان دانشکده های دانشگاه علامه طباطبائی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جوئی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت،
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق،
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش،
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش،
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار،
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان هاو کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق،
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی،
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد،
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جوئی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.

نام و نام خانوادگی: 
تاریخ و امضاء: ۹/۱۰/۹۹



تعه‌دنامه ی اصالت پایان نامه / رساله

اینجانب **میرحسین موسوی فر** دانش آموخته مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد / دکتری در رشته حقوق بین‌الملل که در تاریخ ۹۷/۶/۲۷ از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان **نسبت میان اسلام و حقوق بشر از منظر عقلانیت با تأکید بر بازاندیشی در تأهده ملازمه** با کسب نمره / درجه هجده و نیم دفاع نموده ام، متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از مقاله، کتاب، پایان نامه و غیره) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده از هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ازین دست موارد از این پایان نامه / رساله را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعائی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: **سید حسین موسوی فر**
تاریخ و امضاء: **۹۸/۹/۱۷**



ص. ر. ر. تجلسه دفاع پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

با تأییدات خداوند متعال، جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سیدحسین موسوی فر دانشجوی دوره روزانه رشته حقوق بین الملل به شماره دانشجویی ۹۴۱۲۳۳۵۱۱۰ تحت عنوان: نسبت میان اسلام و حقوق بشر از منظر عقلانیت با تأکید بر بازاندیشی در قاعده ملازمه روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۷ با حضور هیات داوران برگزار شد و پس از بحث و بررسی پایان نامه مذکور با نمره نهایی به شرح زیر و درجه: عالی (20-19) □، بسیار خوب (۱۸-۱۸/۹۹) □، خوب (۱۶-۱۷/۹۹) □، قابل قبول (۱۴-۱۵/۹۹) □، غیر قابل قبول (کمتر از ۱۴) □ و مشروط به انجام اصلاحات □ اعلام می گردد:

نمره مقاله از ۱	الف) پذیرش یا انتشار مقاله در نشریات عضو ISI، SCOPUS، علمی- پژوهشی و نشریات داخلی دانشگاه تا ۱ نمره ب) پذیرش یا انتشار مقاله در سایر نشریات نمایه شده معتبر، حداکثر یک مقاله تا ۰/۵ نمره ج) پذیرش یا انتشار مقاله در نشریات علمی-ترویجی، حداکثر یک مقاله تا ۰/۵ نمره د) پذیرش یا انتشار مقاله در مجموعه مقالات همایش های علمی ملی و بین المللی ۰/۲۵ نمره و حداکثر تا دو مقاله ۰/۵ نمره
	مقاله (مقالات) ارائه شده از گروه الف □ ب □ ج □ د □ می باشد. مهر و امضاء معاونت پژوهشی /آموزشی دانشکده.....

توجه: دانشجو می تواند فقط در سنوات مجاز تحصیلی (۴نیمسال) و حداکثر در نیمسال پنجم و حداکثر تا روز دفاع از امتیاز مقاله استفاده نماید و پس از روز دفاع به هیچ وجه مقاله پذیرفته نخواهد شد.

نمره مقاله:	نمره نهایی	به عدد: ۱۸/۸
نمره پایان نامه از ۱۹:		به حروف: هجده و نیم

اعضاء هیئت داوران:

سمت	نام و نام خانوادگی	امضاء
استاد راهنما	سرکار خانم دکتر هدی غفاری	
استاد مشاور	جناب آقای دکتر سیدقاسم زمانی	
استاد داور	جناب آقای دکتر شعبان حق پرست	
نماینده تحصیلات تکمیلی		

تقدیم به مقدس ترین واژه ها در لغت نامه قلبم

پدر و مادر عزیزم

به پدر که

راه را به من نشان داد

به مادر

که چگونه رفتن را به من آموخت

تشکر و قدر دانی

از استاد گرامی و فرهیخته و دلسوزم ؛ سرکار خانم دکتر هدی غفاری که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و تواضع، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمود و زحمت راهنمایی این پژوهش را برعهده گرفتند؛

از استاد فاضل، فرزانه و گرانقدرم، جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی که زحمت مشاوره این پژوهش را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان این اثر به نتیجه مطلوب نمی رسید.

کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

باشد که این خرد ترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

چکیده

حقوق بشر به عنوان احدی از دستاورد های انسان مدرن، یکی از پر اهمیت ترین مباحث نزاع بر انگیز مطروحه در ایران معاصر می باشد، نظام حقوقی حاکم در ایران معاصر مبتنی بر فقه و شریعت اسلام است و از این رو نظام حقوق بشر چه در عمل و چه نظر در کشور ما با مشکلاتی رو برو می باشد. در جهان مدرن، که هر روز انسان با ثمره و میوه ای جدید از مدرنیتیه روبرو می گردد، برقراری ارتباطی منطقی و معرفت شناسانانه میان آموزه های اسلام و حقوق بشر امری به مراتب دشوارتر خواهد بود. مبنای تعارض در مصادیق این دو، تفاوت در مبانی و اصول بنیادین این حقوق با اندیشه فقه سنت مدار می باشد. از دیر باز در راستای حل این تعارض جهد و جهادی مستمر در حوزه اندیشه فقهی شده است که مع الاسف موفق به حل مبنایی این تعارض نگردیده و صرفا به تطبیق مصادیق ظاهری حقوق بشر با احکام اسلام محدود می باشد. در دنیای امروز که سخن از انواع حق ها می شود، پذیرش گفتمان تکلیف محور فقهی امری قابل قبول نخواهد بود. ریشه تمام تعارضات مستحدثه میان اسلام و حقوق بشر از جمله نابرابری های میان زنان و مردان و مجازات های خشونت آمیز ناشی از فراموشی عنصر عقل و قرائت سنت مدارانه و نص محور از احکام اسلام است. بنابراین در نگاه ما حل بنیادین مسئله ریشه در اجتهاد در مبانی اصول استنباط احکام فقهی خواهد داشت، احیای مجدد عنصر عقلانیت و بهره گیری از آن در قالب قاعده ملازمه و توجه به آن به عنوان یکی از منابع استنباط احکام فقهی، و همگامی و برابری آن با نقل کلید و یگانه راه حل معضل مزبور است. قاعده ملازمه در این میان سند سازگاری میان دو منبع عقل و نقل است و تنها بواسطه بهره گیری از قاعده ملازمه است که می توان تفسیری غایت مدار از احکام فقهی ارائه نمود. احکام موجود در فقه و شریعت اسلام مبتنی بر مصالح و مقاصدی است که با عقل بشر قابل فهم و درک است و احکام تنها ابزاری برای نیل به مقاصد و مصالح مستتر در پی این احکام می باشند. بنابراین احکام موجود در فقه و شریعت اسلام مبتنی بر مصالح و مقاصدی است که با عقل بشر قابل فهم و درک است و احکام تنها ابزاری برای نیل به مقاصد و مصالح مستتر در پی این احکام می باشند. بنابراین با هم شأن دانستن عقل و نقل به عنوان دو منبع برابر در کشف اراده الهی است که می تواند گفتمانی رحمانی و مبتنی بر عقل که با حقوق بشر نیز سازگار ارائه نمود.

واژگان کلیدی: اسلام، حقوق بشر، عقلانیت، قاعده ملازمه، فقه، شریعت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱	بیان مسئله.....
۳	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۴	اهداف پژوهش.....
۴	سوالات تحقیق.....
۵	فرضیه های تحقیق.....
۶	روش تحقیق.....
۶	پیشینه تحقیق.....
۸	نوآوری تحقیق.....
۸	سازماندهی پژوهش.....
۱۰	فصل اول: مفاهیم و مناسبات میان اسلام ، حقوق بشر و عقلانیت.....
۱۱	مبحث اول: تعریف مفاهیم مورد نظر.....
۱۱	گفتار اول: اسلام.....
۱۹	گفتار دوم: حقوق بشر.....
۲۰	محور اول: هستی شناسی حقوق بشر.....
۳۱	محور دوم: سیر تاریخی و روند تدوین و توسعه قواعد حقوق بشری.....
۳۵	گفتار سوم: عقلانیت.....
۳۵	محور اول: تعریف و مفهوم عقلانیت.....
۳۹	محور دوم: انواع عقلانیت.....
۴۱	مبحث دوم: مناسبات میان اسلام و حقوق بشر و جایگاه عنصر عقلانیت.....
۴۱	گفتار اول: مبانی همخوانی میان احکام اسلام و حقوق بشر.....
۴۵	گفتار دوم: مبانی تعارضات میان احکام اسلام و حقوق بشر.....
۵۲	گفتار سوم: عقلانیت به عنوان عنصر سازگاری.....
۵۵	فصل دوم: موارد مشابهت و تعارض میان اسلام و حقوق بشر.....
۵۶	مبحث اول: موارد همخوانی میان احکام اسلام و اسناد الزام آور حقوق بشری.....
۵۶	گفتار اول: آزادی بیان.....
۶۰	گفتار دوم: حق حیات.....
۶۴	گفتار سوم: حق بر زندگی و امنیت.....
۶۶	گفتار چهارم: حق بر آزادی اشتغال.....
۶۸	گفتار پنجم: آزادی تجمعات.....

مبحث دوم: موارد تعارض میان احکام اسلام و اسناد الزام آور حقوق بشری.....	۷۲
گفتار اول: تفاوت حقوق مسلمانان و غیر مسلمین.....	۷۲
گفتار دوم: مجازات های خشونت آمیز و وهن آور.....	۷۸
گفتار سوم: تفات میان حقوق زنان و مردان.....	۸۲
گفتار چهارم: آزادی عقیده و مذهب و بیان	۸۹
فصل سوم: قاعده ملازمه، سند سازگاری و راه حل تعارض میان احکام اسلام و حقوق بشر.....	۹۲
مبحث اول: قاعده ملازمه.....	۹۲
گفتار اول: مفهوم قاعده ملازمه.....	۹۲
گفتار دوم: مبنا و مستندات قاعده ملازمه.....	۹۶
گفتار سوم: قلمرو قاعده ملازمه.....	۱۰۱
مبحث دوم: جایگاه قاعده ملازمه در حل تعارض میان احکام اسلام و قواعد حقوق بشر	۱۰۳
گفتار اول: جایگاه عقل در قلمرو معرفت دینی.....	۱۰۳
گفتار دوم: همگامی عقل و نقل.....	۱۰۷
گفتار سوم: قاعده ملازمه سند سازگاری میان احکام اسلام و هنجارهای حقوق بشر.....	۱۱۱
نتیجه گیری.....	

مقدمه:

ارتباط میان دین و حقوق از موضوعاتی است که در طول تاریخ، به اشکال گوناگون و متنوعی مورد بحث قرار گرفته است، در این میان با توجه به پیشرفت های فزاینده ی اخیر حقوق بشر و صدور، تصویب و انعقاد اسناد و معاهدات حقوق بشری که برخی از علمای حقوق از آن تحت عنوان تورم هنجاری یاد می کنند، باعث شده است تا این موضوع به ویژه در کشورهای ملتزم به احکام دینی رنگی نو به خود بگیرد. در تبیین این رابطه مباحث وجود شناسانه^۱ و معرفت شناسانه^۲ دینی و مبانی حقوق بشر نقش بسزائی را ایفا می نماید. ادیان آمده اند تا زندگی انسان را در جهت توجه به معنویت معنا بخشند و زندگی و رفتار ما را آنگونه که باید هدایت نمایند و حقوق نیز به معنای مدرن آن، نماینده اراده مردم در راستای تمشیت امور و تنظیم روابط موجود در جامعه تلقی می گردد. در تبیین رابطه موجود میان این دو از دیرباز مدل های مختلفی ارائه شده است، آنچه در این میان حائز اهمیت است اشتراکات و تعارضات میان حقوق بشر و ادیان الهی است. دین اسلام به اعتقاد درون دینی به عنوان آخرین دین آسمانی و کامل ترین ادیان که امروزه در حال گسترش چشمگیری در جهان معاصر ما است و همچنین التزام کشورهای اسلامی بر رعایت احکام آن دین آسمانی در چهارچوب سرزمینی خود، بیش از پیش در عمل، مباحث تعارضات موجود میان احکام اسلامی و اسناد الزام آور حقوق بشر را دامن میزند. در پژوهش حاضر پس از تبیین رابطه و بر شماری اشتراکات و تعارضات میان این دو، تلاش خواهیم نمود که در راستای حل تعارضات مورد اشاره، طریقی فراگیر و عملی ارائه نمائیم. نگارنده در پی آن است تا با بهره گیری از مدل های جدید مطروحه در جهان حاضر و با تلفیق و نوآوری در راستای ارائه راه حلی کوشش نماید که در نهایت این امر در گشایش معضلات مزبور راه گشا باشد.

بیان مسئله:

حقوق بشر یکی از مهمترین مباحث مطرح در ایران معاصر است، اگرچه ایران به عضویت منشور ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی^۴ (به ترتیب در سال های ۱۳۲۴، ۱۳۵۴، ۱۳۵۴) در آمده است، اما نظام حقوق بشر چه در عمل و چه در نظر در ایران با مشکلات عدیده ای مواجه است، آنچه که به ظاهر این تعارضات را رقم می زند، تعارض اصول بنیادین این حقوق (از قبیل حق حیات، تساوی حقوقی همه انسان ها فارغ از جنس و مذهب) با آموزه های الهی است.

1-ontological

2-Epistemological

3-International Covenant on Civil and Political Rights

4-International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

حقوق بشر و ارتباط آن با ادیان آسمانی و به ویژه اسلام، حرف تازه‌ای نیست، نزدیک به نیم قرن است که جهد و جهادی مستمر در حوزه اندیشه جهت تبیین رابطه اسلام و حقوق بشر انجام یافته است که نتیجه آن در سه الگوی ذیل خلاصه می‌گردد:

۱- مبانی حقوق بشری موجود در اسلام به مراتب بسیار غنی تر و گسترده تر از آنچه موجود در اسناد بین‌المللی حقوق بشر است، می‌باشد.

۲- حق‌های بشری موجود در اسناد بین‌المللی در تعارض تام با آموزه‌های ادیان آسمانی به ویژه اسلام است، و این تعارضات ابتناء بر تعارض در منشاء حق‌های بشری دارد.

۳- مفاهیم حقوق بشر و اسلام جمع‌پذیر می‌باشند و هیچگونه تعارضی فی مابین این دو وجود ندارد.

این رساله ضمن احترام به دیدگاه‌های فوق‌الذکر، از منظر دیگر به مسئله نسبت میان اسلام و حقوق بشر می‌پردازد، در این دیدگاه، ابتدا حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای نوین بشری معرفی می‌گردد و تطابق آن با عقلانیت مدرن^۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس این مهم تأیید می‌شود که در فقه و شریعت اسلام موارد قابل توجهی از آن چه که امروز حقوق بشر خوانده می‌شود، صریحا مورد توجه و تاکید واقع شده است، اما این مهم که موضوع بنیادین این رساله است فراموش نمی‌شود که، موارد تعارض احکام موجود در شریعت و فقه (حقوق بشر اسلامی) با حق‌های بشری موجود در اسناد بین‌المللی، اساسی و غیر قابل انکار است.

نگارنده تمام تعارضات فوق‌الذکر از قبیل نابرابری مبتنی بر جنس و مذهب و مجازات‌های خشونت‌آمیز را نتیجه نگاه سنتی (فقهی صرف) و قرائت سنت مدارانه^۶ از احکام مزبور می‌داند، و راه حل آن را در ارائه ی طریقی می‌داند که در آن به همان اندازه که به "نقل" توجه شده است به "عقل" و بویژه عقلانیت مدرن توجه می‌شود و از این منظر به قرائتی معنا‌گرایانه مطابق با عقلانیت مدرن روی می‌آورد، کوششی در جهت تطابق احکام شریعت و فقه با حق‌های بشری موجود در اسناد بین‌المللی از طریق قرائتی معنا‌گرایانه و مظلوف محور مبتنی بر عقلانیت از احکام شرعی در مقابل قرائت سنتی. در این نوشتار بر این مهم تأکید می‌ورزیم که مفاهیم دینی در جهت تطبیق با عقلانیت به سه بخش: الف) تجربه دینی (نظیر وحی)^۷ ب) اعتقادات دینی (اصول و فروع دین) ج) آموزه‌های دینی (مولوی و ارشادی) تقسیم می‌گردد که در این جدال در مواجهه

1-Modern rationality

۶- در اینجا مذاقه در تفاوت و تمایزات سنت‌گرایی و بنیادگرایی و تمایز میان این دو و اجتناب از یکسان دانستن این دو مفهوم و همچنین اراده نگارنده بر استفاده از مفهوم سنت‌گرایی و نه بنیادگرایی حائز اهمیت است.

۷- لازم بذکر است که در یکی دانستن تجربه دینی و وحی میان عالمین اسلامی اختلاف نظر است و عده ای وحی را غیر از تجربه دینی می‌دانند. اما مقصود نگارنده در اینجا صرفاً "محدود بر تجربه دینی پیامبران نیست، بلکه مقصود تجربه دینی اولیاء الله و حتی مومنین را نیز در بر خواهد گرفت.

با عقلانیت که خود به دو بخش: الف) عملی که (ناظر بر مصلحت اندیش و اخلاق محور) و ب) نظری که (ناظر بر اندیشه و باور) قرار خواهند گرفت.

نگارنده در مواجهه ی فوق الذکر به دنبال اثبات قاعده ملازمه^۸ بین حکم عقل و حکم شرع (کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع) به "صورت ایجابی" نخواهد بود، بلکه بر این باور است که صرفاً "هنجارهای عقلانی مورد نقض شرع قرار نمی گیرند و نه بلعکس. به این معنا که شارع مقدس در مقام شاریت برخلاف هنجارهای عقلانی حکم نمی کند^۹ و اجازه نقض آن ها را صادر نخواهد کرد (و نه اینکه شارع مقدس لزوماً بر هر آنچه که در عقل آمده، در شرع نیز حکم می کند)، و در پایان از این رهگذر به این مهم راه خواهیم یافت که در صورت حدوث تعارض فی مابین احکام شرعی و حق های عقلانی بشری می توان به جمع این دو از مسیر ملازمه ای سلبی (و نه ایجابی) از درگاه عقلانیت اقدام نمود و تعارضات حادث را ناشی از فهم و تفسیر نادرست (مغایر با مقتضیات عقلانی زمان) از احکام شرعی دانست که به کمک (راه حل تعارض) احکام عقلی با تأکید بر اوصاف عقلانی شارع (حکمت و علم) و تقدم این صفت بر سایر اوصاف و با توجه به حضور شارع در دایره عقلاء و لزوم وجوب عنصر عقل در پذیرش و فهم مفاهیم دینی و...، به حل این تعارضات راه خواهیم یافت.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

توسعه بیش از پیش اسناد الزام آور حقوق بشری و افزایش اعتبار قواعد حقوق بشری تا سطح قاعده آمره بین المللی،^{۱۰} لزوم التزام دولت ها به این اسناد را بیش از پیش آشکار می سازد. رعایت و اجرای صحیح و کامل هنجارهای حقوق بشری و یا عدم التزام به آن ها توسط کشورها می تواند در بادی امر خواستگاه داوری های ارزشی و اخلاقی بین المللی در خصوص عملکرد آن دولت در جامعه بین المللی باشد و همچنین عدم التزام به قواعد الزام آور حقوق بشری می تواند موجب مسئولیت بین المللی برای کشور نقض کننده این قواعد باشد که خود آثار و عواقب ناگواری از جمله اعمال تحریم های بین المللی را در پی خواهد داشت. در این میان اراده بر التزام کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران، به قواعد الزام آور حقوق بشری از آن جهت که برخی از قوانین و مقررات داخلی آن ها معارض با اسناد الزام آور حقوق بشری است، مبحثی است که نیاز به تدقیق و توجه فراوان خواهد داشت. بنابراین تلاش در جهت شناسایی و پس از آن ارائه راه حلی در راستای

2- Accompaniment Rules

۹- اینگونه تعبیر نگردد که الزما" خداوند با در نظر گرفتن حسن و قبح اخلاقی افعال در مقام شاریت اقدام به صدور حکم می کند، بلکه خداوند آفریننده حسن و قبح اخلاقی نیز می باشد و از آنجا که تعارض در ذات خداوند عارض نمی شود، ملازمات اخلاقی آفرینش توسط او رعایت می گردد.

4- jus cogens international law

همخوانی قوانین داخلی کشور های مزبور با اسناد الزام آور حقوق بشری ضرورتی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

اهداف پژوهش:

هدف اصلی از این پژوهش تبیین نسبت میان اسلام و حقوق بشر می باشد، که یکی از مهمترین مباحث چالش بر انگیز در ایران معاصر است، در جهان امروز بخشی از آموزه ها و احکام شریعت و فقه اسلام به نظر معارض با قواعد حقوق بشری موجود در اسناد بین المللی می آید، در فضایی که هر روز بر اسناد و قواعد الزام آور حقوق بشری افزوده می شود، حل تعارضات فوق الذکر در پرتو عقلانیت، به ویژه در جوامع مسلمان و بالاخص برای حکومت های اسلامی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است، که خود حل مشکلات متعدد و احتراز از حدوث اختلافات بین المللی را در پی خواهد داشت.

از طرف دیگر با افزایش نهاد های بین المللی حقوق بشری و به تبع آن افزایش حساسیت جهانی در خصوص رعایت نرم های حقوق بشری،^{۱۱} دولت ها خود را با تهدیدی جدیدی که همان مسئولیت بین المللی ناشی از عدم رعایت هنجارهای حقوق بشری است مواجه می دانند. و از این رو رعایت هنجارهای حقوق بشری موجود در اسناد بین المللی حقوق بشر به امری غیر قابل گریز برای تمامی کشورها از جمله کشور های اسلامی مبدل شده است. به همین خاطر است که این پژوهش در پی آن است تا در راستای حل تعارضات میان احکام جاری اسلامی در کشورهای اسلامی و اسناد الزام آور حقوق بشر مسیری را ارائه نماید تا منجر به رفع معضلات مزبور گردد.

سوالات تحقیق

در تحقیق حاضر یک سوال اصلی و دو سوال فرعی مرتبط طرح شده است:

سوال اصلی:

نسبت میان احکام فقهی اسلام و اسناد الزام آور حقوق بشری از رهگذر عقلانیت جمعی چیست؟

سوالات فرعی:

- ۱- راه حل تعارض میان مجازات های خشونت آمیز و نابرابری های مبتنی بر جنس و مذهب در فقه و شریعت اسلام با قواعد الزام آور حقوق بشری چیست؟
- ۲- چگونه می توان با بهره گیری از بازاندیشی در قاعده ملازمه، راهی در جهت طرح قرائتی جدید از فقه سنتی، موافق با اسناد حقوق بشری ارائه نمود؟

فرضیه های تحقیق:

در این تحقیق یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی خواهیم داشت:

فرضیه اصلی:

۱- در جهت برقراری نسبتی میان اسلام و حقوق بشر، می توان به اصول استنباط مبانی فقه و بالاخص به قاعده ملازمه میان عقل و شرع تمسک جست، حقوق بشر از دستاورد های عقلایی بشر امروز است و عقلانیت نیز مبنای سازگاری میان عقل و شرع، به این معنا که فقه و شریعت اسلام، در جهت حل تعارضات، می تواند حقوق بشر را از مصادیق یک امر عقلایی در چهارچوب قاعده ملازمه به شمار بیاورد.

فرضیه های فرعی:

در این تحقیق با دو فرضیه فرعی مواجه هستیم.

فرضیه فرعی اول:

در خصوص حل تعارضات موجود میان اسلام و حقوق بشر، می توان به عنصر عقلانیت و اعمال آن از طریق قرائت های غایت گرایانه از نصوص مقدس در مقابل قرائت های سنت مدارانه روی آورد، به کار بستن رویکردی مظلوف محور و توجه به طریقت احکام در مقابل موضوعیت آن و همچنین توجه به روح عقلایی حاکم بر احکام، که در نتیجه به حل تعارضات موجود می انجامد.

فرضیه فرعی دوم:

قاعده ملازمه سند سازگاری میان عقل و شرع است و فقه سنتی نیز به منبعی به نام عقل پایبند می باشد، لذا نتیجه این خواهد بود که تدقیق و باز اندیشی در قاعده ملازمه منجر به پذیرش بسیاری از قواعد حقوق بشر که موافق با "سیره عقلا" است در مواجهه با دستگاه فقه سنتی خواهد شد.

روش تحقیق:

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی، کیفی و کتابخانه ای برای بررسی موضوعات استفاده شده است و در کنار کتاب ها و مقالات، از اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون ها بهره گرفته شده است. همچنین با توجه به جدید بودن موضوع از تقریرات کلاس های درسی اساتید این علم، یادداشت های تحلیلگران، و مناظرات صاحب نظران نیز مورد استفاده گردیده است.

پیشینه تحقیق:

بر اساس مطالعاتی که نگارنده تاکنون انجام داده است، پایان نامه ای تحت عنوان «نسبت میان اسلام و حقوق بشر از منظر عقلانیت با تأکید بر بازاندیشی قاعده ملازمه» نگاشته نشده است. در خصوص حقوق بشر و اسلام و رابطه میان این دو و همچنین در خصوص عقلانیت و قاعده ملازمه کتاب و مقاله و رساله ها نوشته شده است، از کتب، پایان نامه و مقالاتی که در حوزه مذکور نوشته شده است می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «سنجش حقوق بشر اومانیستی با فقه و حقوق اسلامی» که توسط آقای مصطفی ایمانی نگارش یافته و در سال ۱۳۸۷ در دانشگاه فردوسی مشهد مورد دفاع قرار گرفت. در این پایان نامه در ابتدا پیشینه وسیر تحولات حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن به بررسی مبانی حقوق بشر و فقه اسلامی پرداخته است، نگارنده در این پایان نامه در پی آن بوده که نسبت واگرایی و همگرایی میان فقه اسلامی و حقوق بشر را بررسی نماید.

پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «آزادی عقیده و بیان در اسلام و بررسی تطبیقی آن با اسناد بین المللی حقوق بشر» به کوشش آقای توکل حبیب زاده در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه آزاد اسلامی تهران مورد دفاع قرار گرفت. نگارنده در پی آن بوده که نقاط اشتراک و افتراق در خصوص حق آزادی عقیده و بیان را در اسلام و حقوق بشر مورد ارزیابی قرار دهد و همچنین نویسنده به بررسی محدودیت های موجود در اسلام در خصوص آزادی عقیده و بیان از جمله ترویج عقاید مغایر با مصلحت جامعه پرداخته است.

پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «کرامت بشری، آزادی و برابری در ادیان توحیدی و اعلامیه جهانی حقوق بشر» به قلم خانم زهرا صمدی قندهار که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه تهران مورد دفاع قرار گرفت. نویسنده پس از بررسی مفهوم کرامت انسانی در ادیان الهی و همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر به بررسی تطبیقی در خصوص کرامت بشری و حق بر آزادی و برابری میان انسان ها پرداخته است.

مقاله «اسلام و حقوق بشر» به تألیف آقای حبیب اله پیمان که در سال ۱۳۸۲ در مجموعه مقالات بین المللی حقوق بشر به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله ابتدا دیدگاه های سنت گرایان و تجدد گرایان را در خصوص نسبت میان اسلام و حقوق بشر مورد بررسی قرار داده است و پس از آن به بررسی خاستگاه حقوق بشر پرداخته

و در نهایت به بررسی رابطه حق و تکلیف و اهمیت این دو عنصر در نسبت میان اسلام و حقوق بشر پرداخته است.

مقاله «نو اندیشی دینی در اسلام و تأملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر» به تألیف آقای محمد جاودان که در سال ۱۳۸۲ در مجموعه مقالات بین المللی حقوق بشر به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله پس از ایضاح مفهوم نو اندیشی دینی در اسلام و حقوق بشر تأملاتی در باب کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر صورت گرفته است.

مقاله «فقه شیعه و حقوق بشر جهان شمول» به قلم آقای سیدمحمد قاری سید فاطمی که در سال ۱۳۸۲ در مجموعه مقالات بین المللی حقوق بشر به چاپ رسید. در این مقاله نویسنده به دنبال پیشنهاد راهی در راستای تغییر جهت از اجتهاد مبتنی بر متن گرایی پوزیتیویستی به سوی تفسیری بر مبنای اخلاق و عدالت است. تأکید نگارنده بر این است که مفاهیم چون عدالت به عنوان مفاهیمی جهان شمول که منشاء از عقل است مبنای مشترکات میان فقه و حقوق بشر باشد.

کتاب «حق الناس» به قلم آقای محسن کدیور که در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات کویر به چاپ رسید. نگارنده این اثر پس از بررسی دیدگاه های متفاوت در خصوص رابطه میان حقوق بشر و اسلام، راه حل نهایی راه تحول اجتهاد سنتی و توجه به عقل معرفی می نماید. در این کتاب تأکید بر لزوم ایجاد تغییرات در فقه سنتی و همچنین توجه حقوق بشر به عنوان یکی از دست آورد های جهان مدرن شده است. نویسنده کتاب معتقد است که در راستای حل تعارضات فی مابین اسلام و حقوق بشر نگاه متن محور به شریعت و فقه می بایست جای خود را با نگاه غایت مدارانه و مفهوم گرایانه عوض نماید.

کتاب «اخلاق دین شناسی» به قلم آقای ابوالقاسم فنائی که در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات نگاه معاصر به چاپ رسید. نگارنده در این کتاب به بررسی فقه سنتی و تعارضات آن با عقلانیت مدرن پرداخته و پس از آن از مناظر وجود شناسانه، معرفت شناسانه و زبان شناسانه به تحلیل ارتباط محتوایی میان عقل با نقل پرداخته است، در این کتاب بیشتر از تقدم اخلاق هنجاری بر فقه سخن رفته است.

نوآوری تحقیق:

بررسی هایی که تاکنون در خصوص موضوع پژوهش پیش رو انجام گرفته، عمدتاً به بررسی موارد و مصادیق تعارض میان اسلام و حقوق بشر پرداخته و تنها نسخه ای ظاهری برای حل موردی و مصداقی نزاع مزبور پیچیده است. و صرفاً به توجیه برخی از احکام فقهی و بعضاً "همانند سازی ظاهری آن با حقوق بشر پرداخته اند، و نتوانسته است مسیری مشخص برای حل این نزاع ارائه نماید. اما تلاش می گردد تا در این اثر بصورت مبنایی به حل معضل تعارض احکام اسلام و قواعد حقوق بشر پردازیم و در این مسیر از عنصر عقل و قاعده ملازمه به عنوان کلید حل این نزاع بهره بجوییم تا در نهایت به نسبتی منطقی و معرفت شناسانه میان اسلام و حقوق بشر دست یابیم.

سازمان دهی پژوهش:

پژوهش حاضر در سه فصل تدوین شده است، در فصل اول به کلیات و تبیین مفاهیم پرداخته شده است که در مبحث اول در سه گفتار مفاهیمی چون اسلام، حقوق بشر و عقلانیت تعریف گردیده است. در گفتار اول از مبحث دوم نیز به بررسی مبانی همخوانی میان احکام اسلام و حقوق بشر پرداخته ایم و در گفتار دوم نیز مبانی تعارضات میان احکام اسلام و حقوق بشر را بررسی خواهیم نمود و در نهایت در گفتار سوم از مبحث دوم عنصر عقلانیت که جان کلام این پژوهش می باشد را به عنوان مبنای سازگاری میان حقوق بشر و اسلام مورد بررسی قرار داده ایم.

در فصل دوم از این پژوهش موارد یا مصادیق همخوانی و تعارض میان اسلام و حقوق بشر در دو مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. در مبحث اول که اختصاص به موارد همخوانی یافته، در پنج گفتار موارد همخوانی که شامل آزادی بیان، حق حیات، حق بر زندگی و امنیت، حق بر آزادی اشتغال و حق بر آزادی تجمعات می شود را مورد بررسی قرار داده ایم و در مبحث دوم که اختصاص به موارد تعارض یافته است در پنج گفتار که شامل: ۱-مسلمان و غیر مسلمان ۲-حقوق زن و مرد ۳-بردگی و انسان آزاد ۴-مجازات های خشونت آمیز ۵- عقیده و مذهب را مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم که مهمترین و اساسی ترین بخش از این پژوهش را تشکیل می دهد به تبیین قاعده ملازمه به عنوان سند سازگاری میان عقل و نقل می پردازد که مشتمل بر دو مبحث می باشد. مبحث اول که شامل سه گفتار است به بررسی قاعده ملازمه پرداخته است. گفتار اول از این فصل بطور خاص مفهوم قاعده ملازمه را مورد مذاقه قرار می دهد و گفتار دوم از این فصل مبنا و مستندات این قاعده را بررسی می نماید و در نهایت گفتار سوم نیز قلمرو قاعده ملازمه را تبیین می نماید.

و النهایه در مبحث دوم از فصل سوم در سه گفتار که شامل جایگاه عقل در قلمرو معرفت دینی، همگامی عقل و نقل و قاعده ملازمه سند سازگاری میان احکام اسلام و هنجارهای حقوق بشر، جایگاه قاعده ملازمه در حل تعارض میان احکام اسلام و اسناد الزام آور مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اول:

مفاهیم و مناسبات میان اسلام ، حقوق بشر و عقلانیت